

فرهنگ ادبیات و هنر

ضمایر [من]

چاپ پنجم کتاب آزاد و الخاص

نام محمد مفتاحی در این سال‌ها با پژوهش بر آثار م. آزاد گره خورده است

اتفاق مبارکی است برای يك كتاب كه شامل نامه‌هایی است بین يك نقاش و يك شاعر؛ انتشار چاپ پنجم كتاب «از غربت با عشق» را با مقدمه و كوشش محمد مفتاحی می‌گوییم كه شامل نامه‌های هانیبال الخاص نقاش به م. آزاد شاعر است.

جالب این است كه بدانید چاپ اول این كتاب اسفندماه سال ۹۷ چاپ و در فروردین سال ۹۸ منتشر شد، در دو ماه اول سه بار چاپ شد و حالا در كمتر از ۱۶ماه به چاپ پنجم رسیده است.

این نشان می‌دهد كه علاوه بر شاعران و شعر دوستان و علاقه‌مندان به شعر م. آزاد، شاگردان و دوستداران الخاص نیز به این كتاب توجه نشان داده‌اند.

«از غربت با عشق» دربرگیرنده ۲۷ نامه‌هانیبال الخاص در زمان زندگی‌اش در آمریکا، به شاعر مشهور معاصر، محمود مشرف آزاد تهرانی است.

در این‌ كتاب، علاوه بر نامه‌ها، قطعه‌نامه هانیبال الخاص، گاه‌شمار زندگی و آثار و گفت‌وگویی منتشرنشده از او به چاپ رسیده‌است.

محمد مفتاحی كه كارنامه فعالیت‌های مکتوب ادبی‌اش پر است از كتاب‌هایی پژوهشی در ادای دین به شاعران و هنرمندان، سال‌ها با م. آزاد به نشست و برخاست پرداخت و حالا هم به جام‌جم خبر می‌دهد:

من این روزها در حال تدارك كتابی دیگر، از دیگر نامه‌های این شاعر هستم.»

از مفتاحی پیش از این نیز كتابی درباره م. آزاد با عنوان «باید عاشق شد و خواند» كه به زندگی و شعراین شاعر می‌پردازد در نشر ثالث منتشر شده‌است. مفتاحی تاکنون سه كتاب شعر منتشر کرده با‌عنوان‌های «بن‌بست»، «آخرین انسان» و «سكوت، سهم جیرجیرك‌هاست» و چند اثر پژوهشی نوشته و به بازار نشر فرستاده و نیز چند كتاب به كوشش او از شعرها و تصحیح‌های شاعرانی چون سیروس نیرو منتشر شده‌است.

او در ترانه‌نویسی و پژوهش در این حوزه نیز فعال است و سروده‌هایش در چند آلبوم موسیقی عرضه شده است.

چاپ پنجم «از غربت با عشق» را انتشارات نگاه با قیمت ۲۳ هزار و ۵۰۰تومان منتشر کرده است.



جنگ پابرهنگه

نویسنده:

رحیم مخدومی

ناشر:

سوره مهر

آلبوم شادی اقوام ایرانی

آلبومی از مجموعه «شادی‌های اقوام ایرانی» با حال و هوای آیینی به‌زودی توسط گروه اوستا منتشر می‌شود. ایسنا این خبر را داده و افزوده که آرش اوستا پس از چهار سال پژوهش، گردآوری و تنظیم، ۲۸ قطعه را در قالب شادی‌های اقوام ایرانی جمع‌آوری‌کرده که در نخستین آلبوم ۱۲ قطعه را با گروه اوستا منتشر خواهند کرد.



نمایش سعید چنگیزیان بیرون از سالن تئاتر

سعید چنگیزیان قصد دارد در اولین تجربه خود در عرصه کارگردانی تئاتر، نمایش «داستان‌های سرزمین مردمان خردمند» را در فضایی متفاوت از سالن‌های تئاتری اجرا کند. آن‌طور که مهر خبر داده این نمایش برگرفته از ۱۴ داستان شاهنامه فردوسی است. چنگیزیان همراه گروه خود این نمایش را با توجه به شرایط کرونایی موجود، در فضایی متفاوت اجرا خواهند کرد.

را سپری می‌کند، در حالی که خبری از حمید فرخ‌نژاد، راس مثلث قسمت‌های قبلی هم نیست.

تگزاس

کارگردان: سیدمسعوداطیابی
مکت: اطيابی بعد از چند بار قلق‌گیری، به نظر می‌رسد که به متر و معیار خوبی برای فروش بالا در گیشه دست پیدا کرده‌است؛ سری فیلم‌های تگزاس به تهیه‌کنندگی سیدابراهیم عامریان، اولین قسمت فیلم سال ۹۶ ساخته شد و با بهره‌گیری از مثلث موفق خوب بد جلف (حمید فرخ‌نژاد، پژمان جمشیدی و سام درخشانی) و وقوع قصه فیلم در برزیل، پیش‌بینی می‌شد گیشه موفقی داشته باشد. این اتفاق افتاد و فیلم ۱۰۰/۱۴۸/۴۳۹/۱۴ تومان فروخت و تا اینجا هفدهمین فیلم پرفروش سینمای ایران است. ساخت قسمت‌های بعدی فیلم از همان اکران قسمت اول قابل‌پیش‌بینی بود. نتیجه شد تگزاس ۲ که با فروش ۲۵۰/۸۸/۱۲/۰۰۰ تومان تا اینجا چهارمین فیلم پرفروش سینمای ایران است و تگزاس ۳ که این روزها صحبت از ساخت قسمت سوم آن است. تگزاس ۲ درحالی به فروش بیشتری دست یافت که کیفیت نازل‌تری از تگزاس یک داشت. با این روند نظرتان درباره قسمت سوم چیست؟

تهنگ‌عنبر

کارگردان: سامان مقدم
مکت: ترکیب رضا عطاران و نوستالژی دهه ۶۰ فرمولی درخشان است که سازندگان تهنگ عنبر به خوبی از آن بهره بردند. فیلم موقعیت‌ها و شوخی‌های بامزه‌ای داشت و بارها تماشاگران را خنداند، نتیجه فروش هفت میلیارد تومانی فیلم در گیشه در سال ۹۴ بود. این استقبال باعث تولید تهنگ عنبر۲؛ سکلشن رویا در سال بعد و اکران آن در سال ۹۶ شد و فروش ۴۰۰/۴۴/۰۹۴/۲۰ تومانی فیلم را در پی داشت و قسمت دوم تهنگ عنبر فعلا رتبه ششم پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران را در اختیار دارد. هرچند فیلم چیز تازه‌ای نداشت و نان محبوبیت قسمت اول را می‌خورد. مقدم به‌عنوان تهیه‌کننده و کارگردان ممکن است دوباره سراغ فرمول موفق عطاران و دهه ۶۰ برود.

اخراجی‌ها

کارگردان: مسعودنده‌نکی
مکت: اخراجی‌ها در سال ۸۵ فضای تازه‌ای را در سینمای ایران رقم زد و از آن خط‌شکنی لیلی با من است در شوخی با فضای جبهه و جنگ فراتر رفت (البته با کیفیتی پایین‌تر و شوخی‌هایی سطحی‌تر و کلامی‌تر) و دل تماشاگران زیادی را به‌دست آورد. نتیجه این کم‌دی جنگی



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

درباره‌نویسنده

رحیم مخدومی در سال ۱۳۴۵ در ورامین به دنیا آمد. اشتیاق نوشتن از دوران دبستان در وجودش زبانه می‌کشید و در مسابقاتی که از طرف اداره آموزش و پرورش در مدارس برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. در سال‌های دبیرستان در رشته حسابداری به تحصیل پرداخت. از همان سال‌ها نوشتن را به‌طور جدی آغاز کرد و از ۱۷ سالگی تا پایان سال ۱۳۶۷ به‌طور متناوب، در شش نوبت در صحنه‌های جنگ تحمیلی حضور داشت. مواجه شدن با شخصیت‌های دفاع مقدس از جمله فرماندهان و دوستان نزدیکش که در روح لطیف و حساس او بسیار تاثیرگذار بودند و گهگاه به شهادت می‌رسیدند، انگیزه نوشتن را در وجود او تقویت کرد. در همان بجنبوه جنگ تحمیلی مطالبی را می‌نوشت و گاه در حضور رزمندگان و دوستانش قرائت می‌کردند. تعدادی از داستان‌هایش هم در مجلات و روزنامه‌های آن سال‌ها به چاپ می‌رسید. نوشتن در قالب کتاب را از سال ۱۳۶۸آغاز کرد.

مخدومی تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی در رشته امور تربیتی ادامه داده و اکنون به کار تدریس مشغول است. او تاکنون در حوزه تحقیقات با موضوع دفاع مقدس و نوشتن خاطرات شهدا با نهادهای فرهنگی بسیاری همکاری داشته است. در حوزه ادبیات دفاع مقدس در زمینه خاطره‌نگاری، رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه آثار بی‌شماری را پدید آورده است که برخی از آن به شرح ذیل است: آنان که رفتند، خواب‌ها و خاطره‌ها، هرکسی کار خودش، یک آسمان میاهو، جنگ پابرهنگه مردان درد، نرگس، چه کسی ماسه را خواهد کشید، آخرین‌نامه سمیرا، فرمانده من، شهردار خوبو، معلم فراری، مالک خیبر، لوطی و آتش، یار کجاست، بین دنیا و بهشت، وقتی پرده کنار رفت، پروانه‌های عرصه خبر و…

او همچنین در حوزه کتاب‌کودک نیز فعال بوده‌است و آثاری نیز برای کودکان به رشته‌تحریر در آورده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به خدا به حرف‌هایم گوش داد، روزی که خواهرم خندید، سلام بر قرآن و… اشاره کرد.

درباره‌اثر

کتاب «جنگ پابرهنگه» خاطرات رحیم مخدومی از مقاطع مختلف جنگ و از جمله عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۵ است. تمرکز این کتاب بر شخصیت‌های حاضر در جبهه بوده‌است، ضمن آن‌که نگاهی هم به حوادث و رویدادهای جنگ دارد. از ابتکارات زیبای کتاب آن است که هر خاطره با آیه‌ای از قرآن آغاز می‌شود؛ آیه‌ای به‌عنوان مقدمه که با خاطره همبستگی معنایی داشته و به نوعی ریشه‌های جنگ پابرهنگه را مشخص می‌کند. این کتاب شامل ۲۴ خاطره با نثری روان و دلنشین است که سعی می‌کند تنها به دود و آتش و بوی باروت بسنده نکرده و نقبی به لایه‌های زیرین جنگ و شخصیت رزمندگان نیز بزند. مخدومی در این کتاب سعی دارد از زاویه‌ای به جنگ نگاه کند تا این ستاره‌های گمنام و پابرهنگه در آسمان دفاع مقدس رصد شوند. از شخصیت‌های محوری این کتاب می‌توان به عبد‌الرحیم جمشیدی، مجاهدافغانی اشاره کرد که برای‌کار به ایران آمده بوده، اما با مشاهده حوادث رخ داده ایران بر اثر جنگ تحمیلی از ادامه کار دست می‌کشد و راهی جبهه می‌شود و پس از هربار مجروحیت، بدون هیچ ملاقات‌کننده‌ای در بیمارستان بستری شده و دوباره به جبهه بازمی‌گردد. سرانجام سال آخر جنگ، جمشیدی شیمیایی می‌شود و به شهادت می‌رسد. جنگ پابرهنگه از میان همه نگاه‌ها، نگاهی را انتخاب کرده است که بتواند پاهای برهنه بچه‌هایی را ببیند که هشت سال تمام در سرما و گرما، در کوه‌ها و دشت‌ها به دور از همه سیاست‌های موسمی، به قولی که به آن پیرمرد راحل داده بودند عمل کردند. عناوین فصل‌های کتاب جنگ پابرهنگه عبارتند از: صحابی پابرهنگه، نیایش، یک مؤمن، یک گردان، ابوطیاره، من برای دیگران، پابرهنگه‌ها، جمال خورشید، منبر، این روزها، عقرب‌ها، شام آخر و…

بریده‌ای از کتاب

«وقتی آقا سید و آقامصطفی رفتند، گردان بی‌سرپرست نماند. وقتی که گردان یک خانواده باشد از هم نمی‌پاشد؛ به‌ویژه این‌که خانواده با درد و رنج روییده باشد. با نان خشک و نمک تغذیه کرده باشد. در این

کتابچه

نروید، ببینید

نشست «زبانی به وسعت شمس» با محوریت بررسی زبان و نثر شمس تبریزی از ساعت ۱۱ روز چهارشنبه ۸ مرداد در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. مهر این خبر را داده و نوشته که علی‌اصغراجی سخنرانی خواهد کرد. می‌توانید به‌جای حضور فیزیکی، این برنامه را که به‌طور زنده از حساب کاربری مرکز فرهنگی شهر کتاب در اینستاگرام پخش می‌شود، ببینید.

درباره برگزاری این نشست عنوان شده است: «شمس تبریزی شبیه هیچ‌کس نیست و در هیچ نحله و عرف و مسلکی و در حصار هیچ واقعیت و تاریخی نمی‌گنجد».



است و اصلاً نشریه‌ای به جز سفارش شرکت‌های نفتی در آن جزیره توزیع نمی‌شود. در شهر بوشهر ما هم از ۱۲ دهک مطبوعاتی، تنها چهار دهک باقی مانده‌است. صابر عزیز مطلبی می‌نویسد که نشان می‌دهد نشریات مکتوب تا کجا به مظلومیت رسیده‌اند.»

اشتراک بیش از ۸۰۰ مشترک در بازار آبیادان را نیز به عهده گرفته بودم و با دوجرخه مشترکین را به روزنامه وصل می‌کردم. بعضی وقت‌ها با یستی پاسخگوی صف مشتریانی که پیش از گشودن دهک برای تهیه روزنامه می‌آمدند، می‌بودیم. اما حالا کاکا برادر صابر! اینجانب شخصاً در بوشهر برای تهیه همین جام‌جم که هزار تومان ناقابل است، مبلغ ۴۰۰۰ تومان هزینه ایاب و ذهاب می‌دهم. لذا مجبورم بعضی مواقع پنجشنبه‌ها یکجا نسبت به تهیه نشریات اقدام نمایم زیرا تعداد دهک‌های روزنامه‌فروشی کم شده و آنها هم به دوگانه‌سوز تبدیل شده‌اند و همان‌طوری که گذاشته‌اید یا فلافلی هستند یا قهوه می‌فروشند یا مجلات تاریخ گذشته را برای دورزدن بازرس‌ها.

گذشته از جزیره کیش که نوشته‌اید، ۱۰ سال است جزیره ۱۵هزارنفری نفتی خارگ، دهک‌های مطبوعاتی‌اش را از دست داده

نشریات مکتوب کاهش پیدا کرده‌اند، اما همان‌ها هم که می‌خواهند بخوانند، روزنامه‌ها را نمی‌یابند. بسیاری از شهرها کیوسک مطبوعاتی ندارند و… حالا عبدالکریم نی سنی، که خود در دهه ۴۰ به کیهان بچه‌ها پیوسته و بعدها در خیابان زند آبیادان صاحب دهک روزنامه‌فروشی شده، با گزارش ما همدلی کرده‌است. او در یادداشتی با عنوان «جام جم با طعم فلافل در دهک‌های دوگانه‌سوز» نوشته: «در دهه ۴۰، هنوز به کلاس ششم ابتدایی نرسیده‌بودم که به لطف زنده‌یاد عباس یمنی شریف و ابوالقاسم حالت که سفری به آبیادان و روابط عمومی شرکت نفت داشتند، جذب کیهان بچه‌ها شدم و کمی بعد صاحب دهک روزنامه‌فروشی در خیابان زند آبیادان. در آنجا علاوه بر سهمیه نشریاتی مانند کیهان و اطلاعات که نمایندگان آنها مانند سنجدآبادی و سازش و رهبر در اختیار می‌گذاشتند، توزیع

اما راستش را بخواهید این نامه آقای عبدالکریم نی سنی از بوشهر، خیلی به ما چسبید. شاید به این خاطر که دیگر کمتر مخاطبی دست به قلم می‌شود و برای روزنامه‌ها نامه می‌نویسد. مدت‌هاست، گزاره «مردم روزنامه نمی‌خوانند» مسلط و غالب شده‌است و اتفاقاً ما هفته گذشته، طی گزارشی به این پرداختیم که آن روزنامه‌خوان‌های کلاسیک و علاقه‌مندان به نشریات، به‌ویژه آنها که در شهرستان‌ها زندگی می‌کنند، چقدر برای تهیه روزنامه‌ها و مجلات سختی می‌کشند. آن گزارش، به‌عملکرد نامناسب شبکه‌های پخش و نیز برخی کیوسک‌ها می‌پرداخت و می‌خواست بگوید درست‌است که مخاطبان

«در نشریه جام جم آخرین شماره ماه ماضی، صفحه ادبیات و هنر، نویسنده محترم نشریه صابر محمدی، مطلب نابی در مورد شهرهای بدون روزنامه درج کرده بودند که…»
بله، درست حدس زده‌اید. حالا دهه ۴۰ شمسی نیست و این ادبیات فاخر یکی از مخاطبان نشریات آن عهد هم نیست. متن فکسی است که همین دیروز به دست ما در تحریریه جام‌جم رسیده‌است. عادتی که آرام‌آرام آن را فراموش می‌کنیم؛ این‌که هر روز با نامه مکتوبی از مخاطبان در تحریریه مواجه شویم. البته مخاطبان جام جم همواره به ما لطف داشته‌اند و طی تماس‌ها و پیام‌های نظر لطفت‌شان را به گوش ما می‌رسانند؛

پاکت [از زبان شما]

جام جم با طعم فلافل در دهک‌های دوگانه‌سوز

یکی از مخاطبان ما که نیم‌قرن پیش در خیابان زند آبیادان صاحب کیوسک مطبوعاتی بوده، نامه‌ای شیرین برای ما نوشته‌است

اما راستش را بخواهید این نامه آقای عبدالکریم نی سنی از بوشهر، خیلی به ما چسبید. شاید به این خاطر که دیگر کمتر مخاطبی دست به قلم می‌شود و برای روزنامه‌ها نامه می‌نویسد.

مدت‌هاست، گزاره «مردم روزنامه نمی‌خوانند» مسلط و غالب شده‌است و اتفاقاً ما هفته گذشته، طی گزارشی به این پرداختیم که آن روزنامه‌خوان‌های کلاسیک و علاقه‌مندان به نشریات، به‌ویژه آنها که در شهرستان‌ها زندگی می‌کنند، چقدر برای تهیه روزنامه‌ها و مجلات سختی می‌کشند. آن گزارش، به‌عملکرد نامناسب شبکه‌های پخش و نیز برخی کیوسک‌ها می‌پرداخت و می‌خواست بگوید درست‌است که مخاطبان